

۱. کتاب‌هایی که قرار نیست بخوانیم

ایتالو کالوینو - نویسنده نامدار ایتالیایی - در بخشی از کتاب «اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری»^(۱) آثار موجود در بازار نشر را به بیست دسته تقسیم می‌کند. معیار این طبقه‌بندی بر مبنای «تجربه زیسته» افراد از چگونگی ارتباط با دنیای نشر تعریف می‌شود و در نهایت برای هر یک از ما یگانه خواهد بود. در تقسیم‌بندی کالوینو دسته نخست شامل انبوه آثاری است که هنوز نخوانده‌ایم و بخش عمده‌ای از آن را نیز هرگز نخواهیم خواند. سهم این بخش هزاران بار بیش از کتاب‌هایی است که خوانده‌ایم یا می‌توانیم بخوانیم. زیرا با توجه به محدودیت عمر، در نهایت فقط می‌توانیم قطره‌ای از این اقیانوس بچشمیم. گروه دوم کتاب‌هایی هستند که از خواندنشان بی‌نیازیم. دلایل این بی‌نیازی نیز متعددند. مثل آثاری که ما مخاطبشان نیستیم یا در قلمرویی بیرون از علایق ما قرار دارند. افزون بر این، چه بسیارند عناوینی که ظاهراً روزآمد به نظر می‌رسند اما سخن تازه‌ای به ارمغان نمی‌آورند. سومین گروه برای هدفی غیر از مطالعه منتشر شده‌اند! مثل کتاب‌هایی که جنبه تزئینی دارند یا برای ارتقا شغلی نویسنده نوشته شده‌اند، یا نهادهای مختلف برای صرف بودجه‌های پژوهشی منتشر کرده‌اند. گروه چهارم نیز شامل همه مواردی است که به تعبیر کالوینو «بی‌نیاز به باز کردنشان آن‌ها را خوانده‌ای، چون آن‌ها از کتاب‌هایی هستند که پیش از نوشتن خوانده شده‌اند» و حرف

(۱) کالوینو، ایتالو (۱۳۸۱) اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری. ترجمه لیلی گلستان. تهران: نشر آگه.

تازه‌ای ندارند. گروه پنجم آثاری را در بر می‌گیرد که از ارزشی نسبی برخوردارند و اگر عمری دوباره داشتیم آن‌ها را می‌خواندیم، که البته این آرزو محال است. خوشبختانه این پنج دسته نگرانی چندانی ایجاد نمی‌کنند، زیرا عملاً از مطالعه آن‌ها بی‌نیازیم و به قول کالوینو «لشگر پیاده‌نظام قشون کتابها» محسوب می‌شوند.

اما دشواری کار از گروه ششم آغاز می‌شود. آثاری که دلمان می‌خواهد بخوانیم، اما کتاب دیگری داریم که خواندنش لازم است. مثل ضرورت خواندن کتاب‌های درسی دوران دبیرستان که ما را از مطالعه رمان‌هایی که دوست داشتیم باز می‌داشت. گروه هفتم شامل منابع گران قیمتی است که به تازگی منتشر شده‌اند و ناگزیریم تاروی که تخفیف خوبی برایشان در نظر گرفته می‌شود صبر کنیم. گروه هشتم و نهم شامل آثار چاپ گالینگور است که یا به زودی جلد کاغذی آن‌ها با قیمت ارزان منتشر می‌شود یا می‌توانیم آن‌ها را از دوست یا کتابخانه‌ای امانت بگیریم. دهمین گروه آثار مشهوری هستند که ظاهراً همه آن‌ها را خوانده‌اند و ما هم می‌توانیم تظاهر کنیم که خوانده‌ایم! یازدهمین دسته شامل آثاری است که مدت‌ها برای خواندنشان نقشه می‌کشیم و مترصد فرصتی هستیم که یک روز بنشینیم و آن‌ها را بخوانیم اما آن روز هنوز فرا نرسیده است! گروه دوازدهم متونی را در بر می‌گیرد که مدت‌ها در جستجوی آنها بوده‌ایم ولی تاکنون موفق به یافتن متن اصلی نشده‌ایم و حالا در گوشه‌ای از یک کتابفروشی قدیمی سر راهمان سبز شده است! با دیدن این آثار، موجی از خاطرات برایمان زنده می‌شود. یاد دوستی که این کتاب را دوست داشت؛ یا خاطره استادی که در کلاس درس مشتاقانه از آن سخن می‌گفت. سیزدهمین دسته از قضا دقیقاً به موضوعی می‌پردازند که همین روزها ذهن ما را به خود مشغول کرده است. دیدن چنین آثاری نیکبختی بزرگی محسوب می‌شود و همچون کشفی غیر منتظره حسی سرشار از شادی به آدمی می‌بخشد. بویژه اگر انتظار نداشته باشی درباره آن موضوع متن مستقلی نوشته شده باشد. دسته چهاردهم آثاری هستند که دوست داریم همیشه دم دست باشند، زیرا به آنها زیاد مراجعه می‌کنیم مثل فرهنگنامه‌ها و دستنامه‌ها. پانزدهمین گروه کتاب‌هایی هستند که دلمان می‌خواهد برای تعطیلات تابستان یا سال نو داشته باشیم تا در فرصتی مناسب بخوانیم. مثل رمانی که به تازگی منتشر شده و منتقدان از آن به نیکی یاد می‌کنند.

شانزدهمین گروه شامل آثاری است که فکر می‌کنیم به دلیلی مشخص باید در کتابخانه شخصی ما باشند. مثلاً وقتی اغلب نوشته‌های یک نویسنده را داریم، ناخودآگاه احساس می‌کنیم باید سایر کتابهایش را هم بخریم، یا هر متن جدیدی که به قلم نویسنده یا مترجم محبوب ما به تازگی منتشر شده است. هفدهمین گروه به دلیلی نامشخص



• ایتالو کالوینو (۱۹۲۳ - ۱۹۸۵م)

کنجکاوی آدم را جلب می‌کنند. مثلاً با عنوانی جذاب یا طرح جلدی هنرمندانه که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. هجدمین گروه را سالها پیش خوانده‌ایم و اکنون احساس می‌کنیم باید دوباره آن‌ها را بخوانیم. نیاز به این بازخوانی معمولاً مربوط به تأثیری است که برخی از کتابها در زندگی ما می‌گذارند و گاه نقطه عطفی مهم محسوب می‌شوند. آخرین گروه شامل آثاری است که به تازگی منتشر شده‌اند و در یک کتابفروشی یا جلدی درخشان خودنمایی می‌کنند. این طبقه خود بر اساس نویسنده و موضوع شامل چند بخشی فرعی است. مثل آثاری از نویسندگان جدید یا جدیدترین اثر یک نویسنده نامدار یا کتابی درباره موضوعی داغ و تازه. در نهایت شکلی از تازگی و طراوت در این گروه وجود دارد که آن را از طبقه‌های قبلی متمایز می‌کند. کالوینو در این زمینه می‌نویسد: «یک کتاب تازه منتشر شده، به تو نوعی لذت خاص می‌دهد، این فقط کتاب نیست که تو داری با خود می‌بری، بلکه تازگی آن است که فرقی با یک شی تازه از کارخانه درآمده ندارد. ... تو همیشه در آرزوی آشنایی با تازگی واقعی بوده‌ای که با یک بار تازه بودن همیشه تازه می‌ماند. اگر بی‌تحمیل یا تعقیب کتابی را به محض انتشار بخوانی در همان لحظه اول صاحب این تازگی شده‌ای». (ص. ۱۱). توصیف کاملتری از این موضوع را در یادداشت دیگری با همین عنوان نوشته‌ام که ۱۱ دی ۱۳۹۷ در سایت لیزنا منتشر شده است.

۲. بهمنی از «نااطلاعات» در شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی در کنار همه مزایا و فایده‌هایی که دارند با مسائلی نیز مواجه‌اند، که یکی از آن‌ها آلودگی به انواع «نااطلاعات»^(۱) است. ترجمه بهتری برای این مفهوم به ذهنم نمی‌رسد و در متون فارسی نیز معادلی برایش نیافته‌ام. اگر شما برگردان مناسبی برای آن می‌شناسید، لطفاً با ایمیل به من اطلاع دهید^(۲). منظور از «نااطلاعات» انواع آثار و اخبار نادرست، نامعتبر، ناقص، بی‌اساس، مبهم یا موهومی است که در دو گروه قرار می‌گیرند. دسته نخست را می‌توان «نااطلاعات تصادفی»^(۳) نامید؛ به این معنا که نیت مغرضانه در نشر این اطلاعات وجود نداشته و افراد یا سازمان‌ها فقط به دلیل بی‌اطلاعی یا بی‌توجهی آن را منتشر کرده‌اند. اما دسته دوم «نااطلاعات فریبکارانه»^(۴) است. به این معنا که فرد یا سازمانی که آن را منتشر می‌کند از نادرستی این اخبار به خوبی آگاه است اما به دلایلی شرورانه یا ریاکارانه قصد اشاعه و ترویج آن را دارد. منافع مالی، حزبی یا ایدئولوژیکی از مهمترین انگیزه‌های اشاعه نااطلاعات محسوب می‌شوند. بنابراین، «اخبار جعلی»^(۵)، اخبار بی‌اعتبار مجله‌های زرد، نوشته‌های تحریف شده، تصاویر دستکاری شده با فتوشاپ، تبلیغات حکومت‌های خودکامه و برخی از تبلیغات بازرگانی در این گروه قرار دارند.

بدیهی است که نااطلاعات مفهوم تازه‌ای نیست. از روزی که دروغ، فریب و ریاکاری در جوامع بشری رخنه کرده، انسان با انواع نااطلاعات مواجه بوده است. اما سرعت و شعاع تاثیر اخبار نادرست در دنیای معاصر به مراتب بیش از گذشته است. زیرا ابزارهای نوین ارتباطی بر سرعت اشاعه انواع نااطلاعات افزوده‌اند. شبکه‌های اجتماعی از کانون‌های اصلی تولید و نشر نااطلاعات محسوب می‌شوند و به شدت در معرض «آلودگی اطلاعات» قرار دارند. متأسفانه بسیاری از ما نیز بی‌توجه به درستی یا نادرستی اخبار در این شبکه‌ها، مطالب مختلف را بازنشر می‌کنیم و ناخواسته بر این بحران عمومی دامن می‌زنیم.

حال پرسش این است که چه راهکاری برای مواجهه موثر با این پدیده وجود دارد؟ بی‌تردید ایجاد محدودیت در دسترسی به این شبکه‌ها نه ممکن است و نه مطلوب. زیرا گسترش این ابزار در دنیای معاصر به حدی است که راهی جز آشتی و همزیستی با فناوری‌های ارتباطی وجود ندارد. مهمتر از آن با محدودیت دسترسی،

1) Misinformation and Disinformation

2) y.mansourian@gmail.com

3) Accidental Misinformation

4) Deceptive Disinformation

5) Fake News

عملاً خود را از مزایای بی‌شمار این ابزار محروم خواهیم کرد و به همین دلیل راهکار مطلوبی محسوب نمی‌شود. کتابداران و متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی بر این باورند که بهترین راه آموزش و ترویج «سواد اطلاعاتی» و «سواد رسانه‌ای» است. به این معنا که کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی با کمک نهادهای آموزشی به ترویج مهارت‌های ارزیابی متون و منابع بپردازند. کسانی که به سواد اطلاعاتی و رسانه‌ای مجهزند، در هنگام مواجهه با اخبار و اطلاعات شبکه‌های اجتماعی ابتدا از خود می‌پرسند منبع اصلی این خبر کیست و کجاست؟ آیا منبع خبر از اعتبار، شایستگی و صلاحیت لازم برخوردار است؟ سپس با نگاهی تحلیلی و انتقادی به محتوا می‌نگرند و آن را در ترازوی منطق و عقل سلیم می‌سنجند.

۳. پنج معیار ارزیابی متون و منابع اطلاعاتی

هر یک از ما برای رهایی از دام «نااطلاعات» به مهارت «ارزیابی اطلاعات» نیاز داریم که در این یادداشت به پنج معیار در این زمینه اشاره می‌کنم. نخست بررسی «وثوق یا اعتبار»^(۱) هر خبر، مدرک یا در مجموع «فقره اطلاعاتی» است. برای این منظور باید از خود پرسیم پدیدآور متن مورد ارزیابی کیست؟ منظور از «پدیدآور» همه عوامل موثر در فرایند تولید اطلاعات هستند که هر یک سهمی در تولید متن نهایی داشته‌اند. مثلاً در مورد یک کتاب نویسنده یا نویسندگان، مترجم، ویراستار و ناشر همگی از پدیدآورندگان محسوب می‌شوند. اعتبار هر یک از این عوامل بر اعتبار اثر مورد نظر خواهد افزود. پرسش بعدی این است که هر یک از این پدیدآورندگان تا چه میزان توان و تخصص اظهار نظر درباره موضوع مورد بررسی را دارند. آیا تجربه‌ای مشخص در این خصوص دارند؟ آیا متخصص و کارشناس هستند؟ آیا هیچ توضیحی درباره سوابق و تجربه‌های پدیدآورندگان در دست داریم؟ پرسش بعدی این است که آیا هیچ راه دسترسی و تماسی با پدیدآورندگان در اختیار داریم؟ آیا می‌توان از طریق تلفن، نشانی پستی یا ایمیل با پدیدآورندگان تماس گرفت؟

مقوله دوم در این فهرست بررسی میزان «درستی» و «اعتمادپذیر بودن»^(۲) هر متن و فقره اطلاعاتی است. برای این منظور باید از خود پرسیم منبع و مآخذ اصلی اطلاعات موجود کجاست؟ آیا شواهد پژوهشی برای اثبات درستی ادعاهای مورد نظر وجود دارد؟ آیا به مطالب معتبر در این زمینه استناد شده است؟ حتی لحن و نحوه نگارش نویسنده می‌تواند شاخص خوبی برای ارزیابی باشد. مثلاً متنی که خود دچار انواع

1) Authority

2) Accuracy, Truthfulness and Reliability



• دکتر یزدان منصوریان

غلط‌های املایی و دستوری است بعید است بتواند اطلاعات درست و معتبری در اختیار خواننده قرار دهد.

معیار سوم مربوط به «روزآمدی»^(۱) مطالب است. تاریخ انتشار هر خبر یا هر فقره اطلاعاتی دیگر اهمیتی ویژه در ارزیابی آن دارد. بویژه در بعضی از حوزه‌ها این اهمیت مضاعف است. مثلاً به دلیل سرعت پیشرفت در پزشکی، فناوری و مهندسی منابع موجود در این رشته‌ها به سرعت کهنه می‌شوند. بنابراین، اگر اطلاعات مورد نظر در یکی از این زمینه‌هاست باید به روزآمدی آن حساس باشیم. مفهوم «رابط»^(۲) چهارمین مقوله در این فهرست است. ربط از مفاهیم بنیادی در کتابداری، علم اطلاعات و دانش‌شناسی است که تعریف آن ماهیتی سهل و ممتنع دارد. ارائه تعریفی ساده از ربط در پیوند با «نیاز اطلاعاتی» آسان‌تر است. به این معنا که بسته به نیاز اطلاعاتی هر یک فرد در موقعیتی مشخص میزان ربط هر منبع به او مشخص می‌شود. مثلاً اگر من امروز در صدد یافتن مترادف یک کلمه باشم، واژه‌نامه (فرهنگ لغات) منبعی مرتبط محسوب می‌شود. اما اگر بخواهم اطلاعاتی عمومی درباره یک کشور به دست آورم، آنگاه به یک دانشنامه (دائرةالمعارف) نیاز

1) Currency and Timeliness

2) Relevance

خواهم داشت. افزون بر این، ربط هر اثر به مخاطبان آن بستگی دارد. به این معنا که باید دید مخاطبِ متن مورد ارزیابی چه کسانی هستند. بنابراین، پرسش بعدی این است که آیا منبع اطلاعاتی مورد ارزیابی پاسخگوی نیاز من هست و آیا من مخاطبش محسوب می‌شوم؟ پنجمین معیار ارزیابی مربوط به «ماهیت اطلاعات» است. آیا محتوای متن مورد نظر شامل واقعیت‌های انکار ناپذیر^(۱) است یا بیشتر بیانگر نظر شخصی نویسنده است. ضمناً باید دید هدف پدیدآور از انتشار آن چیست؟ آیا قصد آگاهی‌بخشی و روشنگری دارد یا می‌خواهد دیدگاه خاصی را تبلیغ و ترویج کند؟ آیا لحن نویسنده جانبدارانه و مغرضانه است یا کوشیده در بیان مطالب منصف و بی‌طرف باشد؟ در مجموع به کمک این پنج معیار می‌توان به ارزیابی نسبتاً دقیق و روشنی از کیفیت هر فقره اطلاعاتی رسید و تا حدودی زیادی از گزند و آسیب اخبار نادرست و نامعتبر در امان ماند. بویژه در روزگاری که همه ما در معرض هجوم بی‌وقفه انواع اطلاعات و نااطلاعات هستیم برخورداری از این مهارت‌ها اهمیتی روزافزون دارد.

۴. تلاش برای «سم‌زدایی دیجیتال»

ارتباط پیوسته و بی‌وقفه با دنیای مجازی، جسم و جان بسیاری از ما را خسته و فرسوده کرده است. اتلاف وقت، بی‌قراری، فقدان تمرکز و سردردهای مزمن از جمله عوارض جانبی استفاده مفرط از ابزار دیجیتال محسوب می‌شود و مدتهاست که زنگ خطر برای سلامتی کاربران «جهان مجازی»^(۲) به صدا در آمده است. پس از بحث «اعتیاد به اینترنت»^(۳) و جستجوی راه‌های برای درمان آن، به تازگی سخن از «سم‌زدایی دیجیتال»^(۴) مطرح است. منظور از سم‌زدایی دیجیتال این است که اگر احساس می‌کنیم از کار مفرط با ابزار دیجیتال دچار خستگی و پریشانی شده ایم، وقت آن رسیده که سلامت جسم و روان خود را جدی بگیریم و برای رهایی از این گرفتاری چاره‌ای بجوییم. بنابراین، سم‌زدایی دیجیتال به این معناست که مدتی با پرهیز آگاهانه و عمدانه از این ابزار - نظیر رایانه و تلفن همراه - از میزان فشار روحی و جسمی موجود بکاهیم. به بیانی ساده‌تر سم‌زدایی دیجیتال به معنای یافتن راههایی برای استفاده معقول و سنجیده از فناوری دیجیتال و بازگشت به دنیای واقعی است. زیرا استفاده مفرط و بی‌هدف از ابزارهای ارتباطی دیجیتال و پرسه زدن‌های بیهوده

1) Facts

2) Virtual World

3) Internet Addiction

4) Digital Detoxification

در شبکه‌های اجتماعی سلامت افراد و جوامع معاصر را تهدید می‌کند و برای بهبود وضع وجود باید چاره‌ای بیابیم.

البته هدف از این کار حذف فناوری دیجیتال از زندگی نیست. بلکه هدف استفاده بهینه و رسیدن به نقطه تعادلی منطقی در این عرصه است. هدف این است که از یاد نبریم فناوری باید در خدمت آدمی باشد، نه آدمی در خدمت فناوری! زیرا جستجوی مرتب اخبار و اطلاعات پراکنده در دنیای مجازی ذهن ما را به تدریج مغشوش و مشوش می‌کند و فرصت درنگ و تمرکز را از ما می‌رباید. بویژه امکان حرکت سریع و بی‌وقفه میان مطالب در دنیای دیجیتال فرصت دقت و تمرکزی را که قبلاً در مطالعه کتاب - به معنای معمول و متداول - داشته‌ایم از ما گرفته است. بنابراین، باید در کاربرد این ابزار محتاط باشیم و خود را منفعلانه به امواج جهان مجازی نسپاریم.

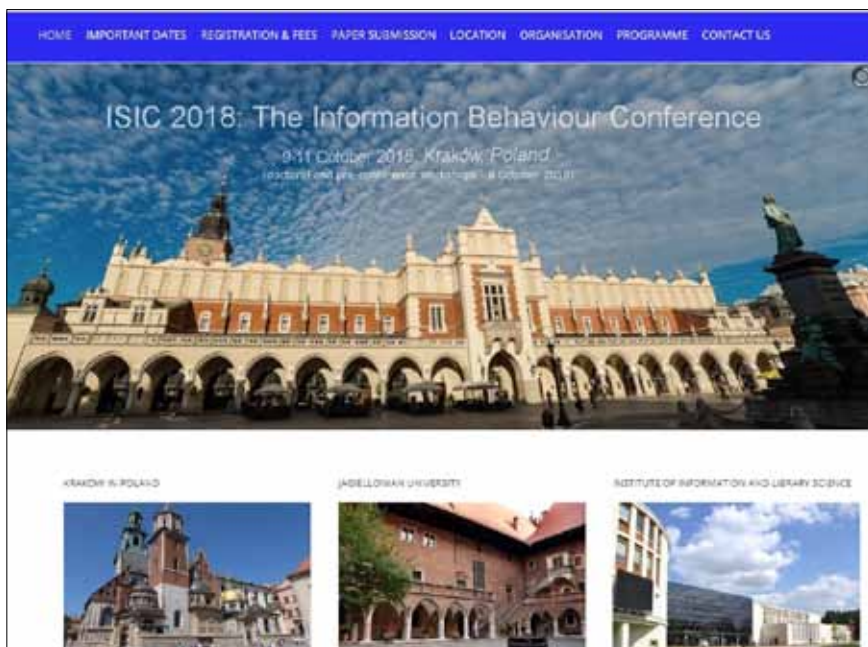
نخستین گام برای س‌م‌زدایی دیجیتال این است که ابتدا وضعیت فعلی خود را ارزیابی کنیم تا تصویری دقیق‌تر از شرایطی که در آن به سر می‌بریم به دست آوریم. بنابراین، ابتدا باید به سنجش میزان و نوع تعامل خود با جهان مجازی پردازیم. مثلاً اگر ساعتهای متوالی را در شبکه‌های مجازی مثل تلگرام، اینستاگرام و فیس‌بوک می‌گذرانیم، اگر نمی‌توانیم بیش از چند دقیقه از تلفن همراه خود دور باشیم، اگر در طول روز بارها به سایت خبرگزاری‌ها مراجعه می‌کنیم و اگر در مجموع بیشتر در جهان مجازی حاضریم تا در دنیای واقعی، احتمالاً در وضعیت هشدار قرار گرفتیم، بی‌آنکه الزاماً از پیامدهای منفی آن آگاه باشیم. زیرا این موضوع پیامدهای شخصی و اجتماعی فراوان دارد و از منظر رشته‌های مختلف می‌توان به آن نگرست. دانشجویانی که در رشته‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی یا علوم ارتباطات در جستجوی موضوع پایان‌نامه هستند نیز می‌توانند در این زمینه جستجو کنند و با استناد به آخرین تحقیقات، به یکی از وجوه این موضوع پردازند.

۵. همایش «اطلاع‌جویی» و «اطلاع‌یابی» در بافت

در دوازدهمین سری از یادداشتهای یک کتابدار که در شماره ۱۱۵ بخارا (آذر و دی ۹۵) منتشر شد درباره همایشی جهانی با عنوان «رفتار اطلاعاتی انسان: اطلاع‌جویی در بافت»^(۱) نوشتم. همایشی که یازدهمین دوره آن سال ۲۰۱۶ در دانشگاه زادار^(۲) در کرواسی برگزار شد و با استقبال کتابداران و محققان علم اطلاعات و دانش‌شناسی همراه بود. متن کامل مقالات برگزیده این نشست در دو شماره مجله «پژوهش

1) Human Information Behaviour: Information Seeking in Context

2) University of Zadar



• وبسایت همایش «اطلاع‌جویی و اطلاع‌یابی در بافت» در شهر کراکوف لهستان، اکتبر ۲۰۱۸

۹

اطلاعات»^(۱) (دسامبر ۲۰۱۶ و مارس ۲۰۱۷) به سردبیری پروفیسور تام ویلسون^(۲) منتشر شد. این نشریه از قدیمی‌ترین مجله‌های آنلاین کتابداری در دنیا محسوب می‌شود که از سال ۱۹۹۵ تا امروز بی وقفه منتشر می‌شود و از اعتبار بالایی برخوردار است. اکنون قرار است دوازدهمین دوره این همایش در اکتبر ۲۰۱۸ در شهر کراکوف در لهستان برگزار شود^(۳). پژوهش در زمینه «اطلاع‌جویی و اطلاع‌یابی در بافت» به معنای مطالعه رفتارهای گروه‌های مختلف مردم هنگام جستجو، یافتن و تبادل اطلاعات در بافت‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی یا سازمانی است. مثلاً بررسی فرایندی که طی آن مورخان به جستجو و بازیابی اطلاعات تاریخی می‌پردازند نمونه‌ای از اطلاع‌جویی در بافت محسوب می‌شود. زیرا آنان نیازهای اطلاعاتی خاص خود را دارند، به متون و منابعی مشخص مراجعه می‌کنند و معمولاً از الگوهای مدونی برای پاسخ به پرسش‌های پژوهشی خود بهره می‌برند. در چنین شرایطی کتابداران می‌توانند با مشاهده، ثبت و تحلیل رفتار اطلاع‌جویی مورخان الگوهای اطلاع‌جویی موجود را بشناسند و برای بهبود این فرایند به آنان کمک کنند.

1) Information Research (<http://www.informationr.net/>)

2) Thomas D. Wilson

3) <http://www.isic2018.com/>

به نحوی که مورخان بتوانند مسیر اطلاع‌جویی خود را بهبود بخشند و در زمانی کمتر به آثاری بیشتر و بهتر دست یابند.

متولیان این همایش برای این دوره ده محور موضوعی برگزیده اند که عبارتند از: (۱) نظریه پردازی^(۱) درباره وجوه فرهنگی، اجتماعی، فکری، عاطفی و موقعیتی در زمینه نیازهای اطلاعاتی، جستجو، کاوش، استفاده و اشتراک اطلاعات. (۲) رویکردها و روش‌های پژوهشی در مطالعات کمی، کیفی و ترکیبی درباره رفتار اطلاعاتی انسان. (۳) مهمترین بافت‌های اجتماعی که بستری برای تولید و تبادل اطلاعات هستند، نظیر مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، صنایع، محیط‌های سازمانی، فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی. (۴) کنش‌های اجتماعی در کاربرد اطلاعات. (۵) کاربرد و ارزش اطلاعات در حل مسائل و فرایند تصمیم‌گیری^(۶). (۶) اطلاع‌سنجی و تحلیل اطلاعات^(۷). (۷) نقش اطلاعات در ساخت و بهبود توان سازمان‌ها. (۸) طراحی نظام‌های اطلاعاتی و سهم عامل انسانی^(۸). (۹) مطالعات میان‌رشته‌ای و بین‌رشته‌ای برای بررسی وجوه مختلف فرایند اطلاع‌جویی^(۹). (۱۰) تحلیل انتقادی رفتارهای اطلاعاتی در جوامع معاصر و چالش‌های اخلاقی تولید و تبادل اطلاعات^(۱۰). نگاهی گذرا به این محورها بیانگر دو جریان مهم در این عرصه است. نخست آنکه کتابداری نوین قلمرو فعالیت خود را در فضایی فراتر از ساختمان کتابخانه تعریف می‌کند. در هر بستر و بافتی که جریانی از اطلاعات برقرار باشد کتابداران با تکیه بر دانش نظری این حرفه می‌توانند نقش خود را در زمینه گردآوری، سازماندهی و اشاعه دانش ایفا کنند. دوم آنکه سهم پیوندهای میان‌رشته‌ای هر روز بیشتر می‌شود. زیرا رسیدن به فهمی روشن و دقیق از «تعامل انسان با اطلاعات» نیازمند توجه به وجوه تاریخی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی این فرایند است.

-
- 1) Theoretical Conceptualizations
 - 2) Information Use and Value
 - 3) Information Metrics and Analytics
 - 4) Mediation of Information Practice
 - 5) Cross-Disciplinary Contributions
 - 6) Critical Investigations of Information and Ethical Challenges